

بعثت حضرت ابراهیم

پس از پراکنده شدن از بابل بت پرستی همه جا را فرا گرفت و خداوند متخلفین سخت سر را به عاقبت کار خود وا گذاشت. ابراهیم را از نسل سام برگزید و او را محافظ شریعت برای نسلهای آینده گردانید. ابراهیم در بین خرافاتیان و بت پرستان بزرگ شده بود. حتی خانواده پدرش که معرفت الهی را حفظ نموده بودند کم کم تحت تأثیر بت پرستی در آمده "خدایان غیر را عبادت مینمودند" (۱) ولی واقعیت ایمان از بین نمی رود. خداوند همیشه اقلیتی امین و خدمتگذار را حفظ کرده است. آدم، شیث، خنوخ، متوشالح، نوح و سام همه از یک سلسله لاینقطع هستند و اوامر ارزنده خدای واحد را حفظ کردند. فرزند تارح وارث این مسؤلیت عظیم گردید. اگر چه بت پرستی از هر طرف توجه او را بخود جلب میکرد اما وی معصوم و پاک بجای ماند. در بین بی ایمانان با ایمان و از ارتداد عمومی معصوم و همچنان در عبادت و خدمت خدای یکتا استوار باقی ماند. "خداوند نزدیک است به آنانیکه او را میخوانند، به آنانی که او را براستی میخوانند." (۲) خداوند اراده خود را به ابراهیم ظاهر نموده تمام اهداف شریعت و نجاتی را که توسط مسیح امکان پذیر میگردد بوی تأکید فرمود.

وعده عظمت نسل آینده و از ملتی بزرگ که آرزوی همه مردم آن زمان بود به ابراهیم داده شد. "و از تو امتی عظیم پیدا کنم و ترا برکت دهم و ترا بزرگ سازم و تو برکت خواهی یافت." (۳) مهمتر از همه اینکه اطمینان داشت نجات دهنده جهان از ذریت او بدنیا خواهد آمد: "و از تو جمیع قبایل جهان

برکت خواهند یافت." (۴) با این وجود شرط دریافت این وعده آزمایشی از ایمان و فداکاری در برداشت.

این فرمان از خداوند به ابراهیم رسید: "و خداوند به ابرام (ابراهیم) گفت از ولایت خود و از مولد خویش و از خائۀ پدر خود بسوی زمینی که بتو نشان دهم بیرون شو." (۵) بمنظور اینکه ابراهیم حافظ شریعت مقدس شود باید دوستانی را که در تربیت و آمادگی وی برای خدمت بخدا اثر معکوسی داشتند ترک نماید. اکنون که قرار بود ابراهیم پیغام آور خدا گردد لازم میشد تا در میان نا آشنایان زندگی کند. خصلتش از دیگران متمایز باشد. حتی دوستانش از این تغییر رویه و افعال وی با خبر نبودند.

"ایمان باعث شد که وقتی ابراهیم دستور خدا را دایر بر این که او باید به سرزمینی برود که قرار بود بعدها مالک آن بشود شنید، اطاعت کرد و بدون آن که بداند کجا می رود حرکت کرد." (۶) اطاعت بی چون و چرای ابراهیم یکی از قویترین نمونه های ایمانی است که در کتاب مقدس یافت میشود. از نظر او ایمان اطمینانی به چیزهایی که به آن امیدواریم و اعتقادی به چیزهایی که نمی بینیم" بود (۷) با اتکاً بوعده خداوند موطن و خویشان خود را ترک کرده بسوی مکانی که کوچکترین اطلاعی از آن نداشت بجائی که خدا وی را هدایت میکرد روانه شد "و او از روی ایمان مثل یک بیگانه در سرزمینی که خدا به او وعده داده بود سرگردان شد و با اسحاق و یعقوب که در آن وعده با او شریک بودند در چادر زندگی کرد." (۸)

آزمایشی که ابراهیم در برابر آن قرار گرفت ساده نبود. بستگی و علاقه شدیدی بین او و وطن و اقوامش بود ولی در اطاعت از فرمان الهی لحظه ای هم تأمل نکرد. در باره زمینی که می باید بارث گیرد سئوالی نکرد. به اینکه زمین

حاصلخیز است، آب و هوای آنجا مطلوبست، سرزمین باصفائی دارد و ثروتمند یا فقیر است نیاندیشید. خدا امر فرموده بود، بنده اش باید اطاعت کند زیرا بهترین جای دنیا برای سکونت مؤمنین جائیست که خدا معین کند.

امروزه نیز بسیاری چون ابراهیم آزمایش میشوند. با آنکه مستقیماً صدای خدا را نمیشنوند مع الوصف توسط تعلیماتش در کتاب مقدس هدایت می شوند. امکان دارد آنانرا امر به ترک شغل‌های پردرآمد و مقامهای عالی و حتی دوری از بستگان و خویشاوندان کند به آنچه را که وی امر فرموده باید اطاعت کنند. در چنین موقعیتی شخص باید خود را فراموش کرده و همه چیز را در راه خدا فدا کند. زیرا خداوند وظیفه ای برای آنان مقرر فرموده. بسیاری در اثر نفوذ دوستان و آسایش زندگی در انجام دستورات الهی کوتاهی میکنند. خواست خداوند این است که آنان از نفوذ بشری و هوسهای انسانی دور شده محبت و رحمت الهی را درک کنند تا باب مکاشفات الهی به روی آنان گشوده شود. چه کسی حاضر به پذیرفتن دعوت الهی و ترک ظواهر فریبنده دنیوی است؟ که حاضر به ترک دیار و پذیرفتن سکونت در مناطق ناشناس برای بشارت ملکوت خدا بوده و بخاطر مسیح هر ضرری را سود پندارد؟ چنین افرادی ایمانی ابراهیم گونه دارند و وارث "جلال عظیم و بی پایانی . . . که غیر قابل مقایسه است." (۹) و "با جلالی که در آینده برای ما ظاهر می شود قابل مقایسه نیست" (۱۰) میشوند.

ابراهیم هنگام بعثت در اور کلدانیان بود (۱۱) و بمجرد وصول امر همراه اهل بیت پدرش رهسپار گردید ولی بخاطر اینکه آنان در هنگام عبادت خدای یگانه فرایض بت پرستی را نیز بعمل میآوردند ابراهیم تا روز وفات پدرش در حران باقی ماند. پس از وفات پدر فرمان الهی تکرار گردید. برادرش ناحور با اهل بیت خود به زادگاه نزد بتهای خود برگشت. از آن گروه تنها سارا همسر

ابراهیم و لوط پسر ناحور که مدتها پیش بدرود حیات گفته بود همراه عده کثیری از ساکنان بین النهرین در هجرت ابراهیم شرکت کردند. در این موقع که ابراهیم سرزمین اجداد خود را برای همیشه ترک میکرد تمام مایملک خود را از قبیل کله و رمه و اندوخته های ذی قیمت همچنین مستخدمین و ملتزمین را "برداشته بعزیمت زمین کنعان بیرون شدند و بزمین کنعان داخل شدند." (۱۲)

اولین اقامتگاه خود را در شکیم در چمنزار وسیعی بین کوه های عیبال و جزریم که دارای آب فراوان و درختان زیتون و چنارهای موره بود انتخاب کرده اردوگاه خود را زیر سایه درختان چنار برپا کردند. ابراهیم واقعا "منطقه ای نیکو و سرزمینی که پر از نهادهای آب و از چشمه ها و دریاچه هائی که از دره ها جاری میشوند، زمینیکه پر از گندم و جو و مو و انجیر و انار باشد، زمینیکه پر از زیتون زیت و عسل است" (۱۳) برگزید. ولی از نظر مؤمنین بر آن تپه های سبز و خرم و پردرخت ابری تیره سایه افکنده بود، یعنی "کنعانیان هنوز در آنجا بودند." (۱۴) ابراهیم به سرزمین موعود رسیده بود ولی سرزمینی بود مسکون با نژادی غریب و بت پرست که مذبحهائی در ارتفاعات برای قربانی کردن انسانها برای خدایان کاذب خود بنا کرده بودند. حضرت ابراهیم نگران نشد و وعده خداوند را فراموش نکرده خیمه های خود را بر پا کرد. آنگاه "خداوند بر ابرام (ابراهیم) ظاهر شده گفت بذریعت تو این زمین را می بخشم." (۱۵) این گفتار باعث تقویت روحیه وی شد و مطمئن گردید که خداوند همواره با وی خواهد بود پس در آنجا مذبحی برای خداوند که بر وی ظاهر شد بنا کرد. پس از مدتی کوتاه به بیت ایل کوچ کرد و مجدداً "مذبحی نوین در آنجا بنا کرد و خدای یگانه را بیاری طلبید.

ابراهیم خلیل الله نمونه بارزی برای ما بجا گذاشت. زندگی او با دعا توأم بود. هر جا که خیمه خود را برپا میکرد مذبحی نیز در کنارش بنا میکرد و

ساکنان اهل بیتش را برای قربانیهای صبحگاهی و شامگاهی دعوت مینمود. هر وقت بزمان دیگری کوچ میکرد مذبح را در جای خود باقی میگذاشت. سالهای بعد کنعانیان بخوبی میدانستند که وی زمانی را در آنجا گذرانده بدین سبب مذبح را تعمیر کرده و عبادت خدای حی را بجای میآوردند.

ابراهیم مسافرت خود را بسمت جنوب ادامه داد و بار دیگر به آزمایش در آمد. آسمان از باریدن باز ایستاد، آب چشمه ها خشک و چمنزارها زرد و خشکیدند. بخاطر نبودن علوفه باندازه مورد لزوم چهار پایان دچار قحطی شدند. آیا ایمان ابراهیم به سستی گرائید؟ آیا در دل آرزوی دشتهای کلدانی را نمیکرد؟ همه با اشتیاق فراوان می خواستند بدانند آیا ابراهیم تحت چنین شرایطی چه عکس العملی از خود نشان خواهد داد. البته تا موقعی که در اعتماد خود ثابت بود همه امیدوار بودند، چون می دانستند که خدا خلیل وی است و او را هدایت میکند.

ابراهیم از بیان و شرح راهنمایی های خدا عاجز و از درک خواسته های وی ناتوان نبود ولی در وعده او که فرموده بود "ترا برکت خواهم داد و نام تو را بزرگ خواهم گردانید و پربرکت خواهی بود" هرگز بخود تردیدی راه نداد. صمیمانه برای نجات قوم و به امتشان بدرگاه خداوند دعا کرد و اجازه نداد اوضاع ناموافق لطمه ای به ایمانش وارد آورد. برای فرار از قحطی بسوی مصر رفت. ولی کنعان را بکلی ترک نکرد و به سرزمین کلدانیان یعنی آنجائیکه ترک کرده بود با وجود فراوانی نعمت باز نکشت بلکه در حوالی مکانی که سرزمین موعود بود محلی بطور موقت برای خود یافت تا پس از انقضای قحطی دوباره به کنعان مراجعت کند.

خداوند از روی فیض و رحمت، ابراهیم را به آزمایش در آورد تا در صبر

و عبودیت و ایمان بخدا قاطعیت یافته و همچنین نمونه بارزی برای نسلهای آینده باشد. خداوند فرزندان خود را در راهی که برای آنان آشنا نیست هدایت میکند و آنانی را که بوی توکل دارند فراموش نمی کند. خدا مانع ناراحتی ایوب نگردید ولی او را هرگز فراموش نکرد. از تبعید یوحنا رسول به جزیره پاتموس ممانعتی بعمل نیاورد ولی در آنجا خداوند بر وی ظاهر شد و دیده اش از جلال رگشت. برای آزموده شدن و استقامت و اطاعت روحانی خداوند مانع به آزمایش در آمدن بندگانش نمی شود. باشد که نمونه ای از پایداری و ایمان برای دیگران باشند. "فکرهایی را که برای شما دارم میدانم که فکرهای سلامتی میباشد و نه بدی تا شما را در آخرت امید بخشیم." (۱۶) آزمایشهای سختی که ایمان ما را متزلزل میکنند و بنظر ما چنین وانمود میشود که خداوند ما را فراموش کرده باید ما را بمسیح نزدیکتر کنند تا بار سنگین زندگی را زیر پای وی بگذاریم و در مقابل از صفا و آرامشی که بما عطا میفرماید بهره مند شویم.

خداوند پیروانش را همواره در سخت ترین مراحل می آزماید در حرارت زیاد زر مصفای صفت مسیحی پاک و مبرا میگردد. مسیح آزمایش را مینگرد و از طرز خالص شدن آن فلز قیمتی که قادر بتشع انوار محبت وی است آگاهی دارد. بدین طریق خداوند فرزندان خود را تأدیب میکند. از توانائی آنانیکه باید قدرت خود را برای پیش برد مقاصد الهی بکار برند اطلاع داد. آنگاه آنان را با تجارب روبرو میسازد تا توانائی و استقامت خود را درک نمایند و ضعفائی که در آنان پنهان است آشکار گردد. برای آنان موقعیتی ایجاد میکند تا در اصلاح خود همت گماشته و خود را برای خدمت وی آماده سازند. ضعفهای مردم را نشان می دهد تا بر او توکل نمایند زیرا تنها در او تعاون و تأمین یافت شده و میتوان بمقصود رسید. از این طریق میتوان با تحصیلات صحیح و تربیت کافی برای

اشتغال خدمات عالی آماده شد. هر گاه خداوند آنان را بخدمت خود دعوت کند آماده هستند و فرشتگان آسمانی برای بانجام رسانیدن بشارت کلام خداوند آنان را یاری خواهند کرد.

در زمان اقامتش در مصر ابراهیم نشان داد که عاری از ضعفهای بشری نیست. با کتمان اینکه سارا همسرش است شهامت و ایمان بی همتای خود را خدشه دار کرد. سارا زن بسیار زیبایی بود و از اینکه مصری های مشکین فام چشم طمع به زیبایی غریب داشته باشند هراسان شد مبادا برای بدست آوردن وی شوهرش را بقتل رسانند. از اینکه سارا را خواهر خود معرفی کرد چنین استدلال آورد که سارا واقعا "خواهر ناتنی وی بود چون او دختر پدرش و از زن دیگری بود. ولی کتمان واقعیت امر نوعی فریب شمرده میشود. کوچکترین انحراف از راستی مورد پذیرش خداوند قرار نمیگیرد. به علت نقض ایمان ابراهیم سارا را در معرض خطر قرار داد. پادشاه مصر که از زیبایی سارا مطلع شده بود وی را برای همسری خود بکاخ سلطنتی احضار کرد. ولی خداوند از روی رحمت عظیم خود بخاطر حفظ سارا خاندان سلطنتی را دچار ناراحتی کرد و بدین ترتیب فرعون حقیقت امر را فهمید و بر ابراهیم بخاطر عمل رباکارانه اش خشم گرفت و او را توییح نموده گفت: "اینچکاری بود که با من کردی؟ . . . چرا گفתי او خواهر منست که او را بزنی بگیرم؟ الآن اینک زوجه خود را برداشته روانه شو." (۱۷)

فرعون نسبت به ابراهیم احسان کرده مانع هرگونه خسارتی به او و شرکایش گردید ولی به نگهبانان امر کرد تا آنانرا تا خروج سرحدات خودش بسلامت مشایعت کنند. از همین زمان از طرف دولت مصر قوانینی مقرر شد که هرگونه معاشرت نزدیک از قبیل خوردن و آشامیدن با چوپانان خارجی برای مصریان ممنوع اعلام گردید. اخراج ابراهیم توسط فرعون به آرامی و با گذشت انجام گرفت، ولی

جای هیچ گونه تأمل و تأخیری برای باقی ماندن وی در مصر باقی نگذاشت زیرا ندانسته و نخواستہ چیزی نمانده بود کہ فرعون را آلوده و مرتکب زنا کند ولی خدای رحمن و رحیم مانع این آلودگی گردید و فرعون را نجات بخشید. ضمناً اینکہ فرعون متوجه گردید کہ ابراهیم مورد توجه خداست و اقامت چنین شخصی در سرزمین مصر برای فرعون خوش آیند نبود. از طرف دیگر اقامت ابراهیم و تزیاید روز افزون احترام و ثروت وی موجب حسادت و طمع مصریان میگردد و از اینرو امکان داشت واقعه ناگواری برای وی پیش آید و غضب الهی بر آنان وارد آید.

اخطاری کہ به فرعون داده شد حمایت و حفاظت خداوند را در معاملات بعدی ابراهیم با بی ایمانان باثبات میرساند، زیرا این مطلبی نبود کہ بتوان بر آن سرپوش نهاد بخوبی مشاهده شده بود خداوندی را کہ ابراهیم می پرستید او را محفوظ داشته و دشمنانش را مجازات مینماید. آزدن یکی از بندگان خدای آسمانها عمل بسیار خطرناکی است. نویسنده مزمور وقتی آیات زیر را تحریر میکرد داستان ابراهیم را در نظر داشت: "پادشاهان را بخاطر ایشان توبیخ نمود کہ بر مسیحان من دست مگذارید و انبیای مرا ضرر مرسانید." (۱۸)

شبهت زیادی بین قضیه ابراهیم و هنگامی کہ نواده هایش بمصر مسافرت کردند وجود دارد. هر دو به علت قحطی بمصر رفتند، هر دو در آنجا اقامت کردند و تحت حکمت الهی ترس آنان بر دل مصریان آمد و با هدایای زیادی از طرف بت پرستان از مصر خارج شدند.